



## Leasing of Territorial Seas and Public Property Right Over it

**Reza Farajpour \***

Islamic Azad University, Behbahan branch, Iran.

**Yunus Qarqani**

Member of the academic staff of Islamic Azad  
University, Behbahan branch, Iran.

### Abstract

The law of the seas is of vital importance mainly due to the special privileges of the seas. Seas have been accorded great importance as routes of maritime transportation in all eras. Thanks to increasing technological advances and huge maritime natural resources, today marine resources have received more attention than ever before, and the need to exploit maritime benefits accounts for the present study. The natural resources of the North Sea of Iran (Caspian) that are shared with regional neighbors and the trawl fishery license granted to china in the southern waters of the country serve as the premises of the present study. Taking into account the official announcement made by authorities regarding their decision to transfer a maritime prowling license (or rent national maritime zones) to china which, according to the reports on the technologies which are to be used for this purpose, could lead to degradation and extinction of living resources, the present study seeks to find out whether the sea prowling licenses are transferable to a third party and whether or not the sovereignty actions within the framework of maritime laws and the act of transferring maritime prowling licenses (with consideration of the need to maintain territorial integrity) to foreigners is legally and jurisprudentially valid.

**Keywords:** lease, seas, public domain, contract, public property

Received: 23/October/2022

Accepted: 16/February/2023

eISSN: 2783-4204

ISSN: 2783-3631

## اجاره دریاهای سرزمینی و حق مالکیت عمومی بر آن

دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهبهان، ایران.

رضا فرج پور \*

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهبهان، ایران.

یونس قرقانی

### چکیده

حقوق دریاهای به جهت امتیازات اختصاصی دریاهای از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. دریاهای در تمامی دوران به جهت حمل و نقل دریایی مورد توجه قرار گرفته و اکنون با پیشرفت روزافزون تکنولوژی و وجود منابع طبیعی در آن، بهره‌برداری از منابع دریایی بیش از پیش مورد توجه است. همین امر سبب شده تا قابلیت تملک منافع آن نیازمند دقت نظر گردد. منابع دریای شمالی ایران، خزر (کاسپین) و تقسیم آن با همسایگان این خطه و واگذاری مجوز صید ترال به چینی‌ها در آب‌های جنوبی کشور زمینه‌ساز تحقیق حاضر شد. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش مهم است که اساساً در قوانین ایران آیا دریاهای سرزمینی قابلیت واگذاری را دارند یا خیر؟ از یک سو، در جنوب کشور با اعلام رسمی مقامات، سخن از واگذاری مجوز یا به تعبیر عوام، اجاره دریا به صیادان چینی برای طولانی مدت در قرارداد ۲۵ ساله داده شده و از سویی دیگر، با فناوری‌های اعلامی، تمامی موجودات زنده آن به مرور به تاراج می‌رود. با توجه به این موارد، حدود اعمال حاکمیتی در چهارچوب قوانین دریایی و امکان واگذاری آن با لحاظ حفظ تمامیت ارضی یا واگذاری منابع موجود در آن به بیگانگان با استناد به منابع فقهی و متون قانونی مستند و پشتوانه قانونی را دارا است یا خیر؟ این پرسش‌ها، اساس پژوهش حاضر را بنیان نهاد.

کلیدواژه‌ها: اجاره، دریاهای، مالکیت عمومی، قرارداد، اموال عمومی

## مقدمه

کشور ایران دارنده سرزمینی وسیع بوده که از قلمرویی یکپارچه تشکیل شده است، چنان‌که هیچ عامل جغرافیایی نتوانسته وحدت سرزمینی آن را مخدوش نماید. امروزه، موضوع دریاها و به بیان دقیق‌تر، آب، تبدیل به مسئله و چالشی مهم در بین کشورها شده است. گسترش شهرها، کمبود منابع، خشکسالی، افزایش جمعیت و آلودگی هوا و غیره منجر به توجه جدی به آب و منابع طبیعی دریایی جهت ایجاد شغل و از آن مهم‌تر، ابعاد اقتصادی منابع موجود در دریاها شده است. بااین‌حال، تعرض اشخاص به محیط‌زیست دریایی و تصرف و تملک منابع طبیعی و ملی محسوس بوده تا بدان‌جا که دولت‌ها در زمینه اجرایی ساختن طرح‌های عمومی و دولتی و گاه تحت عنوان اموال دولتی، متعرض منابع دریایی می‌گردند. دریاها در حمل‌ونقل، صید ماهی و سایر موجودات دریایی، تأمین انرژی، برخورداری از منابع عظیم معدنی و اهمیت و ضرورت وجودی آن در حفظ توازن زیست‌محیطی نقشی آشکار و غیرقابل‌انکار دارند.

در سال ۱۳۴۷، قانون آب و نحوه ملی شدن آن، آب‌های مباح را در زمره اموال عمومی وارد نمود که وظیفه اداره آن به دولت‌ها محول شد. اموال عمومی، ثروت ملی کشور بوده و تعلق آن به تمامی نسل‌ها محرز است. ارزش اقتصادی این اموال در درجه نخست، سبب‌ساز حمایت و نگهداری ویژه از این اموال است. جهت پیشگیری و مبارزه با هرگونه تعدیات دولت‌ها و اشخاص عمومی نسبت به این اموال، راهکارهای عديده‌ای همچون بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، تقویت نهادهای نظارتی و شفافیت قراردادهای بین‌المللی می‌تواند مؤثر واقع گردد. در این فرصت تحقیقاتی بر آنیم تا با به پرسش اساسی تحقیق پاسخ گوئیم مبنی بر اینکه اجاره دریا جهت بهره‌برداری از منافع و منابع طبیعی آن اساساً وجه قانونی و شرعی را دارا است و این امر نقض مالکیت عمومی تلقی نمی‌گردد؟

در پاسخ به این سؤال، فرضیه تحقیق بر آن است که به‌موجب تحلیل فقهی رابطه حاکمیت با اموال عمومی با تأکید بر تفسیر ولایت مالکانه نخواهد بود. این تحقیق به روش کتابخانه‌ای-تحلیلی گردآوری شده است و پیشینه‌ای پیرامون موضوع حاضر وجود ندارد. اهمیت این تحقیق از جهت حمایت از مالکیت عمومی و منابع ارزشمند طبیعی دریایی است که تعلق آن به نسل‌های آتی امری بدیهی بوده و با اجاره آن به شرکت‌های چینی تأثیرات جبران‌ناپذیر زیست‌محیطی را پدید می‌آورد. غایت نهایی تحقیق پی‌جویی مطالبات به حق ایران در بهره‌گیری از منافع دریایی ناشی از اجاره آن، مهم‌ترین رویکرد ما در این ارزیابی خواهد بود. در این مقاله، نخست به مفهوم‌شناسی و کلمات کلیدی همچون مالکیت و مالکیت عمومی پرداخته می‌شود و سپس، وجه تمایز مشترکات عمومی از اموال عمومی، ماهیت حقوقی مالکیت منابع آبی و دریاها مورد مذاقه خواهد بود. در ادامه، قواعد حاکم بر اموال عمومی و تطابق این قواعد با رفتار حاضر در دریاهای ایران با ذکر مصداقی از آن موردنظر نگارنده است تا هدف نهایی تحقیق که امکان اجاره دریاها و تعارض و عدم تعارض قانونی و فقهی این اقدام با مالکیت عمومی است، آشکار گردد. امید است گامی در جهت کمک به حفظ منابع دریایی و دریاها برای ایران برداشته شود.

## ۱. مالکیت عمومی

بحث از مالکیت آب‌ها یکی از مباحث مورد مناقشه در حقوق آب بوده که برای شناخت بهتر آن در حدود قوانین مدنی ضروری است ابتدا مختصر تعاریفی ارائه گردد.

مال در بیان حقوقی، آن است که دو وصف اساسی را دارا باشد:

الف: مفید باشد و نیازی اعم از مادی یا معنوی را مرتفع نماید؛

ب: قابل اختصاص یافتن به فرد یا افراد معین باشد. بدیهی است که مالک خاص داشتن در این قیود وجود ندارد (کاتوزیان، ۱۳۸۰).

حلقه ارتباطی میان فرد و یک شیء را، خواه مادی یا معنوی که به موجب این ارتباط مالک دارای حق استعمال انتقال و بهره‌مندی گردد، مالکیت می‌نامند (انصاری و طاهری، ۱۳۸۸). به عبارتی، حق استعمال و بهره‌برداری و انتقال یک چیز را به هر صورت، مگر آنکه قانون استثناء کرده باشد، مالکیت گویند (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۱).

در قانون مدنی ایران، تعریف دقیقی از مالکیت ارائه نگردیده و تنها به بیان مصادیق و اوصافی از آن پرداخته شده است. ماده ۳۰ قانون مدنی، مالکیت را حقی مطلق معرفی می‌نماید و در ماده ۳۱ همین قانون، بر انحصاری بودن این حق تأکید می‌کند. ویژگی دیگر مالکیت در دائمی بودن آن تعریف می‌شود چراکه قید موقت با ماهیت آن منافات دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۸).

از آنجا که فقه خواستگاه اصلی موضوع مالکیت در نظام حقوقی ایران بوده، جهت بررسی و مذاقه در بحث مالکیت، تفحص در نظرات علما ضروری است. در دیدگاه فقها، هر آنچه را که عقلاً بدان رغبت داشته باشند، مال گویند. پس رغبتی که در به دست آوردن آن از جانب عقل حاصل می‌شود، مال به شمار می‌آید (البحرانی، ۱۴۲۸). در رابطه با مالکیت در فقه اسلامی، تعاریف چندی وجود دارد؛ گویند مالکیت فی الواقع صرفاً اعتباری عقلایی بوده است. عقلاً آنچه را که در ید کسی است، علقه و پیوندی بین او و آنچه در دست اوست برقرار کرده و اعتبار می‌نمایند که این رابطه سبب تسلط شخص بر مال گردیده است (طباطبایی‌یزدی، ۱۴۲۱).

در حقوق انگلستان اما مالکیت تا سال ۱۵۸۳ فاقد مفهوم بود و حق تصرف به جای آن بکار می‌رفت. چنانکه تا پیش از قرن نوزدهم واژه متصرفات و همتایان آن به جای اموال مورد استعمال قرار می‌گرفت (صفایی و همکاران، ۱۳۷۷). آنان مالکیت را مطلق اختیار در استفاده یا واگذاری موضوع حق مالکیت بر حسب اجازه قانون می‌دانند و حق بهره‌برداری و حق واگذاری به موجب این تعریف از اختیارات مالک است (محقق داماد، ۱۳۸۳).

اصل ۴۴ قانون اساسی به عنوان مهم‌ترین مقرر قانونی در بنیادی‌ترین سند سیاسی حقوقی ایران به تبیین انواع مالکیت پرداخته است. در انتهای این اصل، مالکیت در سه بخش تعریف می‌گردد که در پرتو این اصل و بخش‌های مذکور، محترم و مورد حمایت قانون خواهد بود.

بنابراین، سه نوع مالکیت در بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی قابل شناسایی است. در صدر این اصل، به صراحت سه بخش بیان گردیده که عبارت است از بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر و نظایر آن که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است و به نحوی قسم دیگری از مالکیت که همانا مالکیت عمومی است، مطرح گردید. در نتیجه، با استناد به این اصل مالکیت در بخش دولتی، مالکیت عمومی، مالکیت در بخش تعاونی و مالکیت در بخش خصوصی در این اصل مورد بیان قرار گرفت. اموال عمومی را باید اموالی دانست که تعلق آن به شخص خاصی محرز نیست بلکه به عناوین کلی مانند ملت اختصاص دارد و جهت استفاده آن، مصالح عمومی و مصارف مشخص است (محقق حلی، ۱۴۱۲).

آنچه متعلق به عموم مردم بوده و مستقیماً در اختیار ایشان قرار دارد، اموال عمومی نامیده می‌شود. باین حال، قانون و نظامات دولتی خاصی جهت استفاده از آن مقرر می‌شود که افراد ملزم به تبعیت از آن هستند. همین امر موجب می‌شود تا اموال عمومی قابلیت تملک خصوصی را از دست داده و به ملکیت اشخاص در نیایند. دولت‌ها مسئول صیانت از اموال عمومی بوده و این مهم را رأساً و به نمایندگی از ملت بر عهده دارند.

در مقابل اموال دولتی، اموالی وجود داشته که ملک اختصاصی دولت است و دولت به عنوان شخص حقوقی، خود مالک آن است. این دسته از اموال مستقیماً در دسترس عموم ملت قرار ندارند. در خصوص این قبیل اموال، دولت با شخصیت حقوقی خود، حق مالکیت خود را اعمال می‌نماید. لازم به ذکر است این حقی مطلق نبوده بلکه از جهات اداره یا تولیت اموال است. با این توضیح که به هر نحو ضروری است که مصالح عموم را در رابطه با این اموال مدنظر داشته

و رفتاری متناسب با شأن امانی خود داشته باشد.

از سوی دیگر، هر آنچه که در مرحله ثبوت و اثبات، فاقد مالک خصوصی باشد، قابلیت این را خواهد داشت که در زمره اموال عمومی وارد آید. مالکیت این دسته نیز بر عهده دولت است؛ توضیح آنکه دولت با هدف حفظ مصالح و منافع مردم، اقدام به تصرف در اموال فوق نموده و قوانین مربوط به استفاده از آن را در اختیار عموم قرار می‌دهد تا از هرگونه سوءاستفاده و تضییع حق عمومی جلوگیری نماید.

## ۲. مالکیت عمومی در قانون

تفحص در متون حقوقی مالکیت دولتی و عمومی در مجموعه قوانین و مقررات موجود آشکار می‌نماید که ذکر وصف مالکیت در عبارت مالکیت عمومی تنها در اصل ۴۴ قانون اساسی<sup>۱</sup> آمده است. در عبارت نخست بخش آخر این اصل، به صراحت بیان می‌گردد که مالکیت در بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی با شرایط مذکور در ذیل اصل، محترم و مورد حمایت قانون است. در دیگر مقررات و قوانین موجود و به‌ویژه در سایر اصول قانون اساسی، واژه اموال عمومی و دولتی به کار رفته و این قید را باید ناظر بر تعلق آن بر عموم و دولت دانست. به موجب اصل ۸۳ قانون اساسی، اموال دولتی که از نفایس ملی بوده، قابلیت انتقال ندارد.

اصل ۴۵ قانون اساسی مقرر می‌دارد: انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رهاشده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نزارها، بیشه‌های طبیعی و مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود، در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آن‌ها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند. همچنین، ماده ۲۵ قانون مدنی بیان می‌دارد: هیچ کس نمی‌تواند اموالی را که مورد استفاده عموم است و مالک خاص ندارد، از قبیل پل‌ها، کاروانسراها، آب‌انبارهای عمومی، مدارس قدیمه و میدانگاه‌های عمومی تملک کند. همین حکم در خصوص قنات و چاه‌های مورد استفاده عموم نیز جاری است.

در ادامه، ماده ۲۶ این قانون به ذکر مصادیق اموال دولتی پرداخته، بیان می‌نماید که اموال دولتی که معد است برای مصالح یا انتفاعات عمومی مثل استحکامات، قلاع، خندق‌ها، خاکریزهای نظامی، قورخانه، اسلحه، ذخیره و سفاین جنگی و همچنین، اثاثیه و ابنیه و عمارات دولتی و سیم‌های تلگرافی دولتی و موزه‌ها، کتابخانه‌های عمومی و آثار تاریخی و امثال آن‌ها و یا بالجمله، آنچه از اموال منقول و غیرمنقول که دولت به‌عنوان مصالح عمومی و منافع ملی تحت تصرف دارد، قابل تملک خصوصی نیست؛ همچنین است اموالی که موافق مصالح عمومی به ایالت، ولایت، ناحیه یا شهری اختصاص یافته باشد (انصاری و طاهری، ۱۳۸۸).

هدف از ارائه مطالب فوق، دستیابی به ملاکی برای تشخیص اموال عمومی بود تا بتوان به چنین غایتی نائل آمد: اختصاص این قبیل اموال به منافع جمعی یا عمومی محرز است. این تعریف سبب بیان دو روش برای تعیین مصادیق آن

### ۱. اصل چهل و چهارم

نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه آهن و مانند این‌ها است که به‌صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش تعاونی شامل شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است. مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود، مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است. تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌کند.

می‌گردد:

الف) طریق قانونی: به این مفهوم که قانون، انواع خاصی از اموال را عمومی خوانده است که در فصل سوم قانون مدنی به برخی از این اموال تصریح شده است.

ب) رجوع به طبیعت ذاتی اموال: با این توضیح که اموالی از قبیل راه‌ها و جاده‌ها، سواحل دریاها و نظایر این‌ها به‌طور ذاتی چنانند که قابلیت تملک خصوصی را ندارند، به همین جهت در ذکر مضادیق اموال عمومی نیز باید موارد زیر را احصا نمود:

۱. اموال عمومی زمینی یا وابسته به زمین از قبیل راه‌ها و خیابان
۲. اموال عمومی دریایی و هر آنچه در آن موجود است که بحث حاضر را سبب گردید.
۳. اموال عمومی جنگی، مانند اسلحه، استحکامات نظامی و ناوهای جنگی
۴. اموال عمومی عام‌المنفعه، مانند درمانگاه‌ها و مدارس
۵. اموال عمومی رودخانه‌ای از قبیل رودها و جویبارها
۶. ساختمان‌های دولتی

به‌موجب ماده ۲ آیین‌نامه اصلاحی اموال دولتی (مصوب جلسه مورخ ۱۳۷۴/۹/۱ هیئت وزیران)، هر آنچه از طریق وزارتخانه‌ها یا مؤسسات دولتی خریده شود یا اینکه سبب تملک سایر طرق قانونی باشد، اموال دولتی خوانده می‌شود. بر اساس این آیین‌نامه، شرکت‌های دولتی در شمار این قانون نبوده و استثنائی بر این اصل هستند<sup>۱</sup>.

هدف از بیان مطالب فوق، نیل به این مهم بود که با دقت نظر در تفاسیر علمای حقوق و با تتبع در قوانین و مقررات، باید قائل به تفکیک دو دسته اموال عمومی و اموال دولتی از یکدیگر شد چرا که در اموال دولتی، تصرف مالکانه دولت محرز بوده و حق انتقال نیز به طریق اولی ذیل بحث مالکیت قرار می‌گیرد اما در خصوص قسم نخست، دولت تنها از باب مصالح عمومی و منافع ملی حق تصرف و اداره در آن را دارا است و امکان تملک خصوصی و خریدوفروش آن وجود ندارد که دریاها و منابع موجود در آن نیز از این قسم به شمار می‌روند (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۳).

قانون آب و نحوه ملی شدن آن در ماده ۱ بیان می‌دارد که کلیه آب‌های جاری در رودخانه‌ها، انهار طبیعی، دره‌ها، جویبارها و هر مسیر طبیعی دیگر اعم از سطحی و زیرزمینی و همچنین، سیلاب‌ها، فاضلاب‌ها، زه‌آب‌ها، دریاچه‌ها، مرداب‌ها، برکه‌های طبیعی، چشمه‌سارها، آب‌های معدنی و منابع آب‌های زیرزمینی، ثروت ملی محسوب شده و متعلق به عموم است و مسئولیت حفظ و بهره‌برداری این ثروت ملی و احداث و اداره تأسیسات توسعه منابع آب به وزارت آب و برق محول شده است. به‌موجب قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۲، حاکمیت ایران در قلمرو آب‌های داخلی و جزایر آن در خلیج فارس و دریای عمان مشخص گردید و در خصوص وضعیت مناطق دریایی و نحوه صید در آن مناطق، مقرراتی وضع شد. پیش از این نیز به‌موجب قانون صید و شکار مصوب ۱۳۴۶، مقرراتی در خصوص صید غیرمجاز وضع شد که مجازاتی نیز برای این اقدام غیرقانونی مقرر نمودند.

### ۳. قواعد حاکم بر اموال عمومی

ضروری است بررسی قواعد حاکم بر اموال عمومی در دو بخش مورد تدقیق قرار گیرد:

۱. قواعد حمایت‌کننده از اموال عمومی در برابر تعدیات
۲. قواعد حاکم بر استفاده از اموال عمومی

۱. هر چند شورای نگهبان به موجب نظریه ۵۶۰۶ مورخ ۱۳۷۲/۹/۱۷، اصل مذکور را به اتفاق آراء، در زمره اموال شرکت‌های دولتی معرفی می‌نماید.

### ۳-۱. قواعد حمایت‌کننده از اموال عمومی در برابر تعدیات:

اموال عمومی را می‌توان به صور گوناگونی مورد حمایت قرار داد. هر آنچه که کاربری آن را به خطر می‌اندازد، از طرف دولت و حاکم اسلامی ضروری است. گاهاً اموال عمومی به جهت قصور اداره حفاظت‌کننده به خطر می‌افتد اما این خطر ممکن است از سوی اشخاص دیگری نیز ایجاد شود که عدم امکان تغییر مالکیت آن با لحاظ اصل غیر قابل واگذاری بودن این قبیل اموال حراست می‌گردد. از دیگر جهت، با وضع قوانین و ضمانت اجراهای کیفری از تصرف غیر من حق و تعدیات مادی نیز توسط نهاد مربوطه حفاظت می‌شود.

### ۳-۱-۱. عدم امکان واگذاری اموال عمومی

این اصل که در حقیقت موضوع بحث حاضر نیز محسوب می‌شود، برای پیشگیری از تصمیمات و واگذاری‌های نادرست از سوی حکام در نظام‌های پادشاهی ایجاد گردید. کاربری اموال عمومی، منشأ این اصل کاربردی را سبب شده است چراکه بهره‌برداری از اموال عمومی، ملازمه با بقای آن دارد و بقای آن جز با تأکید بر این اصل تضمین نمی‌گردد. تولد این اصل را باید از اروپا و در قرن نوزدهم میلادی دانست. بعدها این اصل به‌عنوان اصلی بنیادین در نظام‌های حقوقی دنیا، مورد پذیرش واقع شد (کرمی، ۱۳۹۳). در فقه امامیه نیز این اصل مورد پذیرش شارع قرار گرفت و آن را وجه تمایز اموال خصوصی از اموال عمومی دانستند و این تفاوت را ایجاد نمودند که اموال دولتی با اذن امام و حکومت اسلامی قابل واگذاری است؛ حال آنکه اموال عمومی مطلقاً فاقد امکان واگذاری به غیر بوده است (منتظری، ۱۳۸۶) (با وجود اینکه آنچه گذشت، محل اختلاف میان فقها است اما مشهور، عقیده بر این رأی دارند).

با استناد به مواد ۲۴ الی ۲۶ قانون مدنی می‌توان نتیجه گرفت، رویکرد قانون‌گذار نیز بر همین عقیده استوار است و مطلقاً اصل غیر قابل واگذاری بودن اموال عمومی را مورد پذیرش قرار داده است. قانون اساسی مشروطه به این مهم نپرداخته بود اما این اصل در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفت. مستند قانونی این امر، اصل ۸۳ قانون اساسی بوده که به‌موجب آن، بناها و نفایس ملی که از اموال دولتی هم باشند، قابل انتقال نیستند. به بیان دیگر، تمامی واگذاری‌های اموال عمومی مانند بیع، اجاره یا امثال آن، نیازمند نص صریح قانون و اطلاع عموم است. نمونه‌های چندی در خصوص واگذاری زمین در میان قوانین موجود است اما در خصوص واگذاری منابع آبی نظیر دریا و صید آبزیان و استفاده قدرت‌های دیگر از منابع نفتی آن یا تقسیم منابع دریایی به کمتر از سهم عرفی توسط دولت‌ها، قانونی وجود ندارد. این اصل در زمان حکومت پادشاهی، مطلقاً مورد پذیرش حکومت واقع گردید و امکان واگذاری آن به هیچ صورتی وجود نداشت. با روی کار آمدن حکومت‌های مبتنی بر نظام مردم‌سالاری، این اصل با ماهیتی نسبی به حیات خود ادامه داد و با استفاده از نمایندگان مردم در مجالس قانون‌گذاری، امکان واگذاری این اموال به دیگران در قالب اراده ملت صورت می‌پذیرفت؛ با این توضیح که کلیه اموال عمومی غیر قابل واگذاری است، جز آنچه که با اذن پارلمان همراه است. در این دوره، دولت قادر نبود اختیار اموال عمومی را در دست گرفته و آن را منتقل نماید و برای هرگونه تغییری در آن نیازمند کسب مجوز از پارلمان به‌عنوان نمایندگان ملت بود (کرمی، ۱۳۹۳).

این اصل، آثاری با خود به همراه دارد که عبارت‌اند از:

### ۳-۱-۱-۱. ممنوعیت واگذاری

عدم امکان واگذاری شامل تمامی اشکال انتقال از قبیل ارادی و قهری می‌گردد و هر نوع بیع، اجاره، صلح و سلب مالکیت و امثال آن موجب بطلان انتقال و مسترد داشتن آن از خریدار دارای حسن نیت می‌شود.



### ۳-۱-۱-۲. عدم امکان مالکیت مشترک

مالکیت مشترک در تقابل با اصل غیر قابل واگذاری بودن اموال عمومی و نفایس ملی است. همین امر سبب می‌شود تا اموال عمومی نتواند وارد بحث مالکیت مشترک شود.

### ۳-۱-۱-۳. ممنوعیت حقوق عینی برای اموال عمومی

در خصوص اموال عمومی، حقوق عینی به نفع افراد قابلیت اعمال ندارد، همچون اجاره‌های طویل‌المدت، برقراری رهن و یا حقوق ارتفاقی که حکم آن ممنوعیت است.

### ۳-۱-۱-۴. عدم امکان توقیف

این بند را باید میان دو قسم از اموال مشترک دانست؛ اموال عمومی و اموال دولتی در این قید یکسان هستند. علت برقراری این نهاد، حفاظت از اموال دولتی و عمومی است و برای آن مبانی بسیاری بیان شده؛ با این توضیح که هدف از این اصل، مورد حمایت قرار دادن کاربری اموال عمومی معرفی شده است و باید آن را از آثار اصل غیر قابل واگذاری بودن دانست؛ بنابراین، لازمه بقای کاربری اموال عمومی، ممانعت از توقیف آن‌ها توسط اشخاص دیگر است (Binczak, 2000). هدف از توقیف اموال، تأمین منافع اشخاص است و این امر در مقابل اهمیت منافع عمومی نادیده گرفته می‌شود چراکه منافع جمعی بر منافع فردی اولویت دارد. برای مثال، ماهی‌های دریا یا بخشی از زمین دریا را نمی‌توان توقیف نمود؛ البته عقیده برخی دیگر از حقوقدانان نقطه مقابل استدلال فوق‌الذکر است. آن‌ها بر این عقیده‌اند که دلیل غیر قابل توقیف بودن اموال عمومی این است که چون ملک اشخاص، عمومی نیست پس توقیف آن فاقد منفعت و غرض از آن حاصل نمی‌گردد چراکه بازداشت مالی که امکان تملک ندارد، بی‌فایده بوده و از عقلاً به دور است (Gaudemet, 2002).

نمود این اصل در قانون ایران را باید در قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال که در سال ۱۳۶۵ تصویب شد، یافت. قانون راجع به منع توقیف اموال منقول و متعلق به غیرمنقول شهرداری‌ها مصوب ۱۳۶۱ نیز تأیید دیگری بر مطالب معنونه است.

### ۳-۱-۱-۵. عدم امکان رجوع به داوری در دعاوی مربوط به اموال اشخاص عمومی

اصل ۱۳۹ قانون اساسی اظهار می‌دارد، صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد، مؤکول به تصویب هیئت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی، خارجی باشد و در موارد مهم داخلی، باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند. به موجب این اصل، کلیه اموال عمومی و دولتی فارغ از اینکه در اختیار کدام نهاد است و چگونه اداره می‌شود و با تکیه به اموال عمومی و دولتی بودن، تحت شمول این اصل قرار می‌گیرد.

### ۳-۱-۲. تکلیف دولت به تعیین حدود اموال عمومی

تعیین محدوده چهارگانه یک ملک را تحدید حدود گویند که مقدمه لازم صدور سند مالکیت است. در تعیین حدود است که سرحد آن با املاک مجاور مشخص می‌گردد (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۷۸).



حقوق فرانسه بر شخص عمومی الزام می‌نماید که حدود اموال عمومی تحت تملک خویش را در ارتباط با دیگر اشخاص عمومی و خصوصی معین سازد. این تکلیفی حقوقی بر اشخاص حقوقی است که از قرن نوزدهم میلادی برای اشخاص عمومی معین گردید (Gaudemet, 2002).

حقوق ایران پیرامون این مطلب نص صریحی ندارد. حکم اموال عمومی در این خصوص مشخص است و تردیدی در آن نیست. با استناد به ماده ۳۲ قانون ثبت<sup>۱</sup> املاک دولتی قابلیت ثبت و دریافت سند مالکیت را دارند. اما سؤال مطروحه که به نوعی از پایه‌های اساسی پژوهش حاضر به شمار می‌آید، این است که آیا اموال عمومی تحت عملیات ثبت قرار می‌گیرند؟ آیا امکان صدور سند مالکیت برای آن‌ها وجود دارد یا خیر؟ عقیده برخی از علمای حقوق بر آن است که می‌توان قائل بر این امر بود و هدف نیز حفاظت از تعدیات نسبت بر این قبیل اموال است (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۷۸)؛ اما در عمل، علمای حقوق، امکان ثبت را فقط به اموال اختصاصی اشخاص عمومی محدود می‌دانند (شهری، ۱۳۶۹).

با تفحص در قوانین، در مواردی همچون اراضی موات و مستحدث، اموال عمومی سابقه ثبت دارند و شاهی بر نادرستی نظر اخیر است. اما امر بدیهی، این نکته است که حکم مذکور در پاره‌ای از اموال عمومی رسمیت یافته است. در فرض امکان صدور سند برای اموال اشخاص عمومی، وصف قابلیت واگذاری به این اموال باز نمی‌گردد بلکه صرفاً حفاظت و صیانت از این اموال مدنظر قانون‌گذار خواهد بود. مشخص نمودن حدود و صدور سند برای اموال عمومی سبب می‌شود تا بیع، اجاره و هر نحو دخل و تصرف در آن با اجازه قانون و اطلاع عمومی صورت پذیرد. متأسفانه در حدود مقررات ایران، ملاکی در باب نحوه و تحدید حدود این قبیل اموال مشخص نشده است اما از برخی نمونه‌ها نظیر الزام سازمان جنگلبانی به نقشه‌برداری و تحدید حدود با تکیه بر نص صریح ماده ۳۹ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶، آشکار می‌گردد که تحدید حدود اموال عمومی با تکیه بر روند اداری و یک‌جانبه صورت می‌پذیرد.

### ۳-۱-۳. تکلیف دولت‌ها به حفظ اموال عمومی

ماده ۱۱۴ قانون محاسبات عمومی، اموال عمومی را در زمره اموال دولتی خوانده و حفظ و حراست از آن را با وزارتخانه یا مؤسسه‌ای می‌داند که مال در ید اوست. در ماده ۱۱۰ همین قانون آمده است که اشخاص عمومی کاربر محسوب می‌گردند در مقابل اموال تحت اختیار خود، اعم از اموال دولتی و اموال عمومی و نسبت به حفاظت از آن‌ها مسئول هستند. در ماده ۳۰ آیین‌نامه اموال دولتی مصوب ۱۳۷۲، تهیه دستورالعملی در خصوص کیفیت و چگونگی حفظ و نگهداری اموال دولتی بر سازمان‌ها و مؤسسات دولتی تکلیف قانون بوده و نیازمند رعایت ضوابط و شرایط مخصوصی هستند که این مهم از طریق ایجاد هماهنگی‌های لازم با وزارت امور اقتصادی و دارایی و به موجب اصول و موازین مربوط صورت می‌پذیرد.

### ۳-۲. قواعد حکم بر استفاده از اموال عمومی

اموال عمومی به شیوه‌های مختلفی مورد استفاده قرار می‌گیرند اما می‌توان دو طریق عمده برای آن معرفی نمود که عبارت‌اند از استفاده جمعی و استفاده اختصاصی که هر یک بر حسب اقتضاء، قواعد خاص خود را دارند. سواحل دریا و استفاده از منابع طبی موجود در آن همچون استفاده از راه‌ها، استفاده مشترک عمومی داشته و کاربر آن هویت مشخصی

۱. ماده ۳۲ قانون ثبت اسناد و املاک: تقاضای ثبت نسبت به املاک دولت بر عهده مالیه محل و نسبت به املاک مؤسسات بلدی و خیریه بر عهده رئیس مؤسسه و نسبت به املاک شرکت‌ها بر عهده مدیر شرکت و در مورد املاک محجورین بر عهده ولی یا قیم آن‌ها است.

ندارد؛ اما استفاده به صورت اختصاصی بخشی از مال خصوصی توسط کاربری مشخص مورد استفاده قرار می گیرد، همچون نصب کیوسک روزنامه در خیابان یا معابر عمومی.

یکی از اصول بنیادین حقوق بشری، آزادی عموم در استفاده از اموال عمومی است و نظارت اداره یا سازمان متولی آن تنها به عنوان نهادی برای حراست و پیشگیری از اقدامات کیفری صورت می گیرد. این اصل در بیشتر موارد به واسطه پیشرفت های تمدنی و مقتضیات نظم ایجاد شده (Chapus, 2001) و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز اصلی پذیرفته شده است. بر اساس بند ۶ از اصل ۲ قانون اساسی، هر نحو استفاده اختصاصی از اموال عمومی نیازمند کسب مجوز بوده و امری استثنائی است؛ حال آنکه اجاره دریاها توسط صیادان چینی امری است که ساکنان خطه جنوب را از حق ملحوظ در قانون اساسی محروم داشته و با اصول بنیادین کشور نیز در تعارض بوده است. نخستین بار، سال ۹۴ بود که اخباری در خصوص حضور کشتی های صیادی چینی در آب های جنوبی کشور منتشر شد. ابهاماتی در خصوص حضور بیگانگان در آب های ایران و فعالیت آن ها در دریا به مرور زمان سبب شد تا اعتراض صیادان کشورمان روزبه روز پررنگ تر گردد. در نهایت امر و با پیگیری رسانه ها و صیادان، این پاسخ از مقام مسئول مربوطه که نسبت به اعطای واگذاری مجوز به صیادان چینی برای طولانی مدت دریافت می گردد، در نهایت بیان می شود که چینی ها قراردادی در قالب اجاره بلندمدت با شیلات دارند و از فناوری صید ماهی در عمق ۲۰۰ متری برخوردارند<sup>۱</sup> که این فناوری در میان شناورهای صیادی ایران وجود ندارد. به عبارت بهتر، نه تنها نداشتن فناوری صید عمیق نمی تواند توجیهی برای واگذاری مجوز این کار به دیگر کشورها باشد که اساساً مسئله ورای این هاست؛ اینکه این واگذاری به موجب مستند قانونی و ضمن فرایندهای قانونی صورت گرفته یا خیر؟ چرا بلندمدت واگذار شده و منظور از بلندمدت، چند سال است؛ مبلغ دریافتی به ازای آن به چه میزان است و صرف چه شده؛ سهم و نفع صیادان وطنی و ایرانیان از این واگذاری چیست و علاوه بر این ها، آیا آسیب های ناشی از آن مدنظر قرار گرفته شده یا خیر؟ و اساساً انفال و اموال عمومی قابلیت واگذاری به اجاره یا فروش را دارند یا خیر، بحثی است که تاکنون در پژوهش حاضر بدان پرداخته شد و به موجب مستندات قانونی ارائه شده، مورد تبیین قرار گرفت.

به موجب اصول ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی که قانون مادر کشور است، برابری عموم در استفاده مشترک اموال عمومی، اصلی پذیرفته شده است. در خصوص بهره برداری و استفاده از اموال طبیعی به صراحت آمده است که در بهره برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان ها و توزیع فعالیت های اقتصادی میان استان ها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد به طوری که هر منطقه، فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم را در دسترس داشته باشد.

اخذ مجوز برای استفاده اختصاصی از اموال عمومی، اصلی پذیرفته شده در نظام های حقوقی بوده و هر نوع تصرف به هر صورت آن، نیازمند کسب این جواز است. این قبیل مجوزها بر اساس ویژگی خاص متقاضی صادر شده و قابلیت انتقال به غیر را ندارد؛ مگر اینکه در شرایط ویژه و با رضایت سازمان مربوطه و صدور مجوز جدید صورت پذیرد. مجوز تصرف به دو صورت قراردادی و یک جانبه صادر می گردد. در نتیجه وصف صراحت، لازمه آن است (Chapus, 2001).

قواعد حاکم بر مجوز تصرف و قرارداد تصرف در اموال عمومی تابع قواعد مشابهی هستند اما وجوه افتراقی را نیز دارا بوده که می توان به موقتی و زمانمند بودن آن اشاره نمود. اداره می تواند پیش از موعد قرارداد، بدان خاتمه دهد و به صورت یک جانبه آن را فسخ کند. فرد پیمانکار برخلاف فرد دارای مجوز تصرف دارای حق درخواست جبران خسارت از اداره در موارد بروز خسارت است. در قوانین و مقررات ایران، موارد متعددی برای استفاده اختصاصی از

اموال عمومی ذکر شده است که استفاده از دریاها و منابع موجود در آن در هیچ‌یک صراحت ندارد. از سوی دیگر، در فرض امکان بهره‌برداری اختصاصی از این قبیل منابع، لازم است استفاده‌کننده مطابق با قوانین و مقررات عمومی، هزینه استفاده را بپردازد و نحوه مصرف این هزینه توسط اداره مربوطه مشخص باشد. به بیان دیگر، بهره‌برداری اختصاصی از یک مال عمومی به رایگان ممکن نیست و این امر تفاوتی ندارد که بر اساس قرارداد این امکان فراهم آمده یا در قالب جوازی که از سازمان ذیصلاح صادر شده است. این قبیل اموال در فقه تحت عنوان مباحات عامه یاد می‌شود و اطلاق آن بر اموالی است که مالک خاص نداشته است تا افراد بتوانند آن‌ها را برابر ضوابط و قوانین شرعی، تملک یا از آن‌ها استفاده کنند، مانند اراضی موات و حیات ماهیان دریاها. مسئله مهم، محدوده استفاده از مباحات است چراکه اطلاق ادله، محدود به زمان معصومین بوده و دربردارنده وسایل و امکانات فعلی که چند شخص با عنوان شرکت در فاصله کمتر از نصف روز، هزاران تن ماهی را صید کنند، نیست. در این مورد، مباحات عامه عبارت است از آنچه قانون‌گذار آن‌ها را برای همه مباح قرار داده است و همه می‌توانند از آن‌ها بهره‌مند شوند (مشکینی، ۱۳۷۹). لازم به ذکر است این قبیل اموال حق واگذاری و تملک را ندارند (سبزواری، ۱۴۱۳؛ شهید اول، ۱۴۱۷؛ شهید ثانی، بی‌تا).

### نتیجه‌گیری

اصل ۴۵ قانون اساسی، آب‌های کشور را در زمره ثروت‌های عمومی آورده و آن را مختص به تمامی نسل‌ها می‌داند و جهت حفاظت و حراست بهینه، آن را تحت اختیار حکومت قرار داده است. با هدف استفاده درست از منابع آبی آب‌های دریاها، آب‌های جاری در رودها، انهار طبیعی، دره‌ها و هر مسیر طبیعی دیگر اعم از سطحی، زیرزمینی، سیلاب‌ها، فاضلاب‌ها، زه‌آب‌ها، دریاچه‌ها، مرداب‌ها، برکه‌های طبیعی، چشمه‌سارها، آب‌های معدنی و منابع آب‌های زیرزمینی، بستر انهار طبیعی، کانال‌های عمومی و رودخانه‌ها اعم از اینکه آب دائم یا فصلی داشته باشند و مسیل‌ها، بستر مرداب‌ها، برکه‌های طبیعی و همچنین است اراضی ساحلی و اراضی مستحذنه که در اثر پایین رفتن سطح آب دریاها و دریاچه‌ها و یا خشک شدن مرداب‌ها و باتلاق‌ها پدید آمده باشد و در اختیار حکومت اسلامی قرار گرفته است و قانون توزیع عادلانه آب در سال ۱۳۶۶/۱۲/۱۶ با همین هدف به تصویب قانون‌گذار رسید. مطابق با این قانون، مسئولیت حفظ و اجازه و نظارت بهره‌برداری از آن‌ها به دولت محول گردید. از سوی دیگر و با تکیه حقوق ایران بر فقه اسلامی، آموزه‌های فقهی با در نظر گرفتن حق عمومی و دولتی بر اموال و اراضی زمین از همان ابتدا بر اساس آیات قرآن، ضمن محدودیت مالکیت خصوصی و بیان شرایط برای احراز حق مالکیت خصوصی، در تلاش برای حفظ منابع طبیعی برای همه مردم و نسل‌های آینده است. مقام قانون‌گذاری در ایران با لحاظ مصالح عمومی و به کارگیری روش‌هایی نظیر ملی کردن، مصادره، سلب یا تحدید مالکیت اشخاص، تلاش در حفظ و محافظت از منابع ملی و طبیعی داشته است.

از سوی دیگر، اصولی در محدوده تملک، واگذاری، نگهداری و استفاده از اموال عمومی، منشعب از حقوق عمومی می‌گردند که حفاظت از کاربری اموال عمومی نقش عمده این اصول است. این قواعد با تفاوت‌های اساسی از قواعد حقوق مدنی، در چارچوب حقوق اداری، مجموعه‌ای از حقوق اموال را ایجاد می‌کند. اصل غیر قابل واگذاری بودن، اصل غیر قابل توقیف بودن و اصول حاکم بر استفاده از اموال عمومی مانند اصل آزادی، اصل برابری و اصل مجانی بودن، زیرشاخه‌های این مجموعه را تشکیل می‌دهند که در پی حمایت از منافع عمومی در این زمینه هستند.

در خصوص مالکیت مطلق بر دریاها باید گفت، اموال عمومی قابلیت تملک خصوصی را دارا نیستند که به هر نحو بتوان نسبت به آن مالکانه برخورد نمود و امکان اجاره منفعت برقراری حق ارتفاق و دیگر حقوق نسبت به آن فراهم آید. دریاها از مشترکات عمومی بوده و در اختیار حکومت اسلامی قرار دارد و بهره‌برداری از آن تحت اختیار وزارت نیرو است که امکان اجاره دادن آن به دیگران در قالب استفاده از منابع محدود آبی و منابع تجدیدنپذیر محیط‌زیست

دریایی در قوانین ایران، فاقد وجهه قانونی بوده است. نیاز است تا با تدریس و برقراری حقوق آب در واحدهای دانشگاهی و پژوهشی، ضمن اطلاع از حقوق و امکان بهره‌برداری عموم از آن در حفظ محیط‌زیست دریایی کوشش گردد و منابع محدود کشور از گزند بیگانگان در امان ماند چراکه تعلق این موهبت الهی به نسل‌های آینده، امری بدیهی بوده و مالکیت آن در اختیار ملت‌ها در تمامی اعصار خواهد بود.

## منابع

انصاری، مسعود و طاهری، محمدعلی. (۱۳۸۸). *مجموعه دانشنامه حقوق: دانشنامه حقوق خصوصی ۳* (ج ۳، چ ۳). تهران: انتشارات جنگل.

البحرانی، الشیخ محمد صنقور علی. (۱۴۲۸). *شرح الأصول من الحلقة الثانية*. قم: المؤلف.

جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸). *حقوق ثبت* (ج ۱). تهران: کتابخانه گنج دانش.

جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۱). *ترمیم‌ولوژی حقوق* (چ ۱۲). تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.

جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۳). *متوسط شرح حقوق مدنی: حقوق اموال* (چ ۳). تهران: کتابخانه گنج دانش.

سبزواری، سید عبدالعلی. (۱۴۱۳). *مهذب‌الحکام فی بیان الحلال والحرام* (چ ۴). قم: مؤسسه‌ی المنار.

شهری، غلامرضا. (۱۳۶۹). *حقوق ثبت اسناد و املاک*. تهران: سعید نو.

شهید اول، محمدبن مکی. (۱۴۱۷). *الدروس الشرعیة فی فقها الامامیه* (چ ۱، ج ۳). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم.

شهید ثانی، زین‌الدین بن علی. (بی‌تا). *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة* (محمشی سیدمحمد کلانتر، چ ۱، ج ۷). قم: مکتبه‌ی الداوری.

صفایی، حسین، عاشوری، محمد و عراقی، عزت‌الله. (۱۳۷۷). *نظام‌های بزرگ حقوقی معاصر* (چ ۴). مرکز نشر دانشگاهی.

طباطبایی یزدی، سید کاظم. (۱۴۲۱). *حاشیه مکاسب* (چ ۲، ج ۱). قم: مؤسسه اسماعیلیان.

کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۰). *دوره مقدماتی حقوق مدنی اموال و مالکیت*. تهران: نشر دادگستر.

کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۸). *قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی* (چ ۲۳). تهران: انتشارات بنیاد حقوقی میزان.

کرمی، حامد. (۱۳۹۳). *مبانی و اصول حاکم بر اموال اشخاص عمومی در حقوق ایران و فرانسه*. رساله دکتری، دانشگاه تهران: پردیس فارابی.

محقق حلی، جعفر. (۱۴۱۲). *نکت‌النهاییه - النهایه ونکته‌ها* (چ ۱). قم: دفتر انتشارات جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه.

محقق داماد، مصطفی. (۱۳۸۳). *قواعد فقه* (چ ۲). تهران: مرکز نشر علوم دانشگاهی.

مشکینی، میرزا علی. (۱۳۷۹). *مصطلحات الفقه* (چ ۱). قم: انتشارات الهادی.

منتظری، حسینعلی. (۱۳۸۶). *مبانی فقهی حکومت اسلامی* (چ ۷). قم: سرایی.

موسی‌زاده، رضا. (۱۳۸۲). *بایسته‌های حقوق بین‌الملل عمومی* (چ ۲). تهران: نشر میزان.

Binczak, P. (2000). *Droit administratif des bien*. Paris: Gaullino.

Chapus, R. (2001). *Droit administratif general*. Paris: Montchrestien, 2.

Gaudemet, Y. (2002). *Droit administratif des biens*, Paris: L.G.D.J.

